

پاسخ و شرح خودآزمایی‌های بخش

عروض و قافیه دوره پیش‌دانشگاهی

از:

محمد امین شمس‌نیا

پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۷

۱- در کدام مورد «و» و «ی» صامت به شمار می‌آید؟

کلمه پاسخ:

آهو: «و» مصوّت است، زیرا؛ ۱- بلند تلفّظ می‌شود ۲- دومین حرف هجا(هو) است ۳- حرکات را نمی‌پذیرد.
 وقت: «و» صامت است، زیرا؛ ۱- کوتاه تلفّظ می‌شود ۲- اولین حرف هجا(وقت) است ۳- حرکت «ا» را پذیرفته است.
 بود: اگر سوم شخص ماضی ساده باشد، «و» مصوّت است، زیرا؛ ۱- بلند تلفّظ می‌شود ۲- دومین حرف هجا(بود) است
 ۳- حرکات را نپذیرفته است و اگر سوم شخص مضارع باشد(بُود)، «و» صامت است، زیرا؛ ۱- کوتاه تلفّظ می‌شود ۲-
 اولین حرف هجا(وَد) است ۳- حرکت «ا» را پذیرفته است.

کوه: «و» مصوّت است، زیرا؛ ۱- بلند تلفّظ می‌شود ۲- دومین حرف هجا(کوه) است ۳- حرکات را نمی‌پذیرد.
 نیست: «ی» مصوّت است، زیرا؛ ۱- بلند تلفّظ می‌شود ۲- دومین حرف هجا(نیست) است ۳- حرکات را نمی‌پذیرد.
 فارسی: «ی» مصوّت است، زیرا؛ ۱- بلند تلفّظ می‌شود ۲- دومین حرف هجا(سی) است ۳- حرکات را نمی‌پذیرد.
 یاد: «ی» صامت است، زیرا؛ ۱- کوتاه تلفّظ می‌شود ۲- اولین حرف هجا(یاد) است.
 ناورد: «و» صامت است، زیرا؛ ۱- کوتاه تلفّظ می‌شود ۲- اولین حرف هجا(وَرَد) است ۳- حرکت «ا» را پذیرفته است.

۲- صامت و مصوّت‌های زبان فارسی چند تا است؟

کلمه پاسخ:

زبان فارسی دارای ۲۳ صامت و ۶ مصوّت است:

الف - صامت‌های زبان فارسی:

۱) ء (=ع)	۷) خ	۱۳) ش	۱۹) م
۲) ب	۸) د	۱۴) غ (=ق)	۲۰) ن
۳) پ	۹) ر	۱۵) ف	۲۱) و
۴) ت (=ط)	۱۰) ز (=ذ، ض، ظ)	۱۶) ک	۲۲) ه (=ح)
۵) ج	۱۱) ژ	۱۷) گ	۲۳) ی
۶) چ	۱۲) س (=ث، ص)	۱۸) ل	

ب - مصوّت‌های زبان فارسی:

۱- کوتاه: اَ، اِ، اُ

۲- بلند: «ا»، «و»، «ی»

۳- هر یک از کلمات زیر چند واج دارد؟

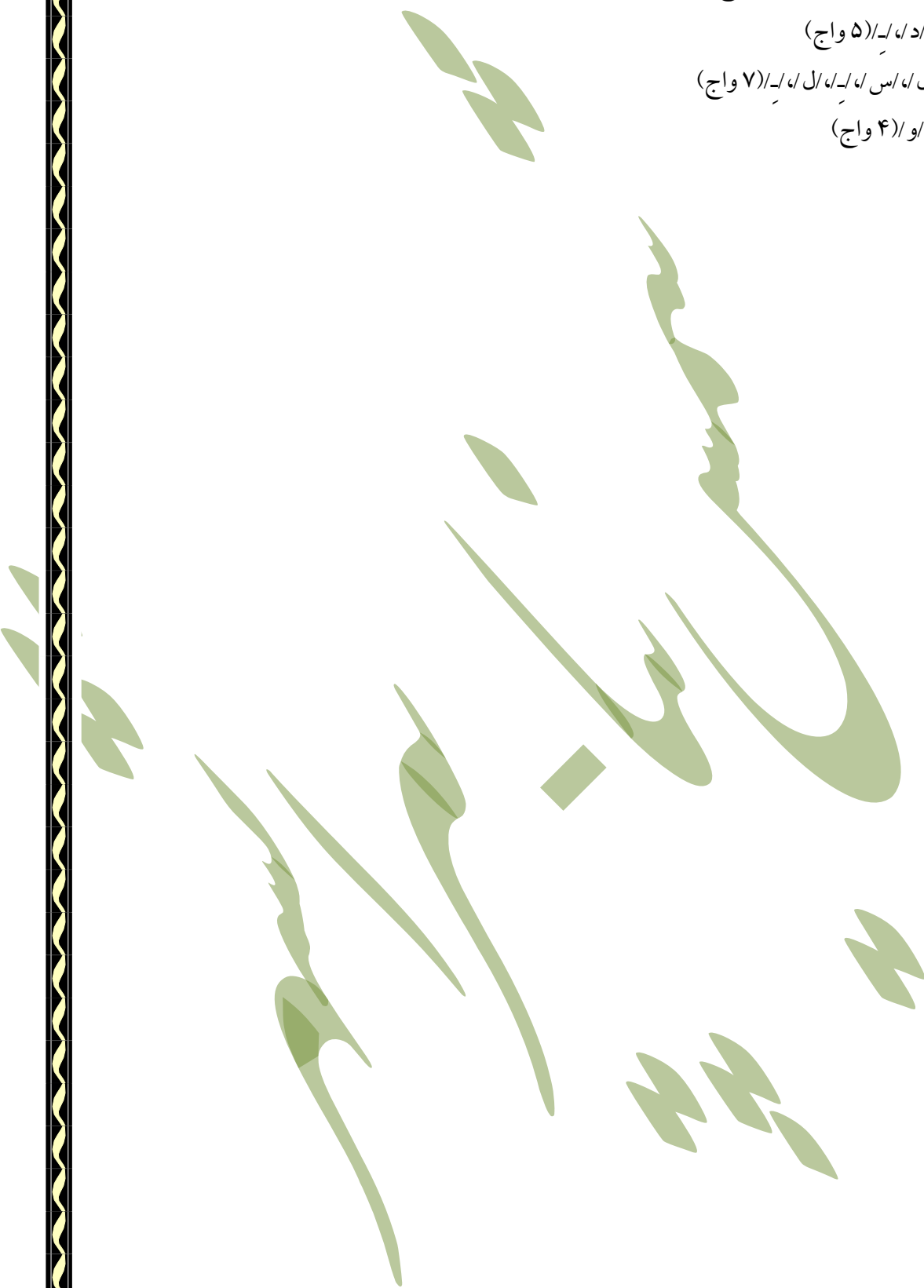
کھجور پاسخ:

خواستن: اِخ، اِو، اِاس، اِات، اِا، اِان (۶ واج)

ژنده: اِژ، اِا، اِان، اِاد، اِا، اِا (۵ واج)

سلسله: اِس، اِا، اِال، اِاس، اِا، اِال، اِا، اِا (۷ واج)

محو: اِم، اِا، اِاح، اِاو (۴ واج)



پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۱۴

الف - در هر یک از ابیات زیر، واژه‌های قافیه و حرف یا حروف قافیه را مشخص کنید و بنویسید که قافیه طبق

قاعده «۱» است یا «۲»؟

که پاسخ:

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز
واژه‌های قافیه: باز، بنده‌نواز
حرف یا حروف قافیه: «از»؛ طبق قاعده «۲»

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
واژه‌های قافیه: ارس، نفس
حرف یا حروف قافیه: «س»؛ طبق قاعده «۲»

یار بد مار است هین بگریز از او تا نریزد بر تو، زهر آن زشت‌خو
واژه‌های قافیه: او، زشت‌خو
حرف یا حروف قافیه: «و»؛ طبق قاعده «۱»

هر یکی دیوار اگر باشد جدا سقف چون باشد معلق بر هوا
واژه‌های قافیه: جدا، هوا
حرف یا حروف قافیه: «ا»؛ طبق قاعده «۱»

ما را همه شب نمی‌برد خواب ای خفته‌ی روزگار دریاب
واژه‌های قافیه: خواب، دریاب
حرف یا حروف قافیه: «اب»؛ طبق قاعده «۲»

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
واژه‌های قافیه: دوست، پوست
حرف یا حروف قافیه: «وست»؛ طبق قاعده «۲»

من از ابرینم همی باد و نم ندانم که نرگس چرا شد دژم
واژه‌های قافیه: نم، دژم

حرف یا حروف قافیه: «م»؛ طبق قاعده «۲»

میاور به جان من و خود گزند

مکن شهریارا دل ما نزنند

واژه‌های قافیه: نزنند، گزند

حرف یا حروف قافیه: «نند»؛ طبق قاعده «۲»

ب - در هر یک از ابیات زیر:

۱- ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد)

۲- واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

۳- حروف قافیه را مشخص کنید.

۴- حرف یا حروف اصلی و قاعده را مشخص کنید.

۵- حرف یا حروف الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد)

(پاسخ:

منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

ردیف: کجاست

واژه‌های قافیه: یار، عیار

حرف یا حروف قافیه: «ار»

حرف یا حروف اصلی: «ار»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: -

به نزدیک خورشید فرمان روا

سرشگک هوا بر زمین شد گوا

ردیف: -

واژه‌های قافیه: گوا، فرمان روا

حرف یا حروف قافیه: «ا»

حرف یا حروف اصلی: «ا»؛ قاعده «۱»

حرف یا حروف الحاقی: -

یا به تو دسترسی داشتمی

کاشکی جز تو کسی داشتمی

ردیف: داشتمی

واژه‌های قافیه: کسی، دسترسی

حرف یا حروف قافیه: «سی»

حرف یا حروف اصلی: «س»؛ قاعده «۲»
حرف یا حروف الحاقی: «ی»، پسوند است

مرآ پرسی که چونی؟ چونم ای دل جگر پردرد و دل پر خونم ای دل
ردیف: ای دل

واژه‌های قافیه: چونم، پر خونم

حرف یا حروف قافیه: «ونم»

حرف یا حروف اصلی: «ون»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «م»، مخفف زمان حال «بودم» است.

چندان که گفتم غم با طیبیان درمان نکردند مسکین غریبان
ردیف: -

واژه‌های قافیه: طیبیان، غریبان

حرف یا حروف قافیه: «یبان»

حرف یا حروف اصلی: «یب»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «ان» پسوند جمع است.

خاک دل آن روز که می‌بیختند شب‌نمی از عشق بر آن ریختند
ردیف: -

واژه‌های قافیه: می‌بیختند، ریختند

حرف یا حروف قافیه: «یختند»

حرف یا حروف اصلی: «یخت»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «ند»، شناسه است.

ز دو دیده خون فشانم، ز غمت شب جدایی چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی
ردیف: -

واژه‌های قافیه: جدایی، آشنایی

حرف یا حروف قافیه: «ایی»

حرف یا حروف اصلی: «ا»؛ قاعده «۱»

حرف یا حروف الحاقی: «یی»، صامت میانجی + پسوند است.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ردیف: آرزوست

واژه‌های قافیه: گلستانم، فراوانم

حرف یا حروف قافیه: «انم»

حرف یا حروف اصلی: «ان»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «-م»، ضمیر متصل است.

آتیش قه‌ر برافروخته‌اند خانمان ض‌عفا سوخته‌اند
ردیف: -

واژه‌های قافیه: برافروخته‌اند، سوخته‌اند

حرف یا حروف قافیه: «وخته‌اند»

حرف یا حروف اصلی: «وخت»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «-اند»: علامت صفت مفعولی و فعل کمکی ماضی نقلی.

یادآوری: در برخی از کتاب‌ها، فعل کمکی ماضی نقلی را ردیف گرفته‌اند!

گر مستمند و بادل غمگینم خیره ملامت مکن چندینم
ردیف: -

واژه‌های قافیه: غمگینم، چندینم

حرف یا حروف قافیه: «ینم»

حرف یا حروف اصلی: «ین»؛ قاعده «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «-م» در واژه اول مخفف زمان حال «بودم» است و در واژه دوم ضمیر متصل است.

نشاط جوانی ز پیران مجوی که آب روان باز ناید به جوی
ردیف: -

واژه‌های قافیه: مجوی، جوی

حرف یا حروف قافیه: «وی»

۱- صاحب کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» در صفحه ۲۴۰ عبارتی آورده است که مفهوم آن این است که: هرگاه «الف» فعل کمکی ماضی نقلی یا مخفف زمان حال بودن - که در قدیم گاهی مخفف زمان حال بودن با «ا» هم نوشته می‌شده است، مانند «جدا ایم» (= جدا هستیم) - جدا نوشته شود، ردیف محسوب می‌شود. اما خود او در صفحه ۲۵۲ بیت: «تا ظن نبری که دل ز مه‌رت رسته است یا از طلب تو فارغ و آهسته است» را ذکر کرده است و «است» را جزء حروف قافیه قلمداد کرده است.

حرف یا حروف اصلی: «و»؛ قاعدهٔ «۱»

حرف یا حروف الحاقی: «ی» که در پایان برخی از واژه‌های مختوم به «و» می‌آید.

ما به روی دوستان از بوستان آسوده‌ایم گر بهار آید و گر باد خزان آسوده‌ایم

ردیف: آسوده‌ایم

واژه‌های قافیه: بوستان، خزان

حرف یا حروف قافیه: «ان»

حرف یا حروف اصلی: «ان»؛ قاعدهٔ «۲»

حرف یا حروف الحاقی: –

آن دل که به زلف یار بستیمش هر چند گسست باز پیوستیمش

ردیف: –

واژه‌های قافیه: بستیمش، پیوستیمش

حرف یا حروف قافیه: «ستیمش»

حرف یا حروف اصلی: «ست»؛ قاعدهٔ «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «یمش» شناسه + ضمیر متصل است

دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم و اندر این کار دل خویش به دریا فکنم

ردیف: فکنم

واژه‌های قافیه: صحرا، دریا

حرف یا حروف قافیه: «ا»

حرف یا حروف اصلی: «ا»؛ قاعدهٔ «۱»

حرف یا حروف الحاقی: –

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم محصول دعا در ره جانانه نهادیم

ردیف: نهادیم

واژه‌های قافیه: میخانه، جانانه

حرف یا حروف قافیه: «انه»

حرف یا حروف اصلی: «ان»؛ قاعدهٔ «۲»

حرف یا حروف الحاقی: «ب» در حکم الحاقی است.

ج - با توجه به تبصره‌های ۲ تا ۷ قافیه‌ایات زیر را مشخص کنید. اگر قافیه‌ی بیتی غلط است یا عیب دارد، آن را

نیز مشخص کنید:

که پاسخ:

هر آن کس که بر دزد رحمت کند به بازوی خود کاروان می‌زند

ردیف: -

واژه‌های قافیه: کند، می‌زند

حرف یا حروف قافیه: «/ - /» «ند» اختلاف در مصوت کوتاه؛ طبق تبصره «۳»، اگر واژه‌های قافیه حروف الحاقی داشته باشند، قافیه صحیح است.

حرف یا حروف اصلی: «/ - /ن»

حرف یا حروف الحاقی: «-د»

کنون با خرد باید انباز گشت که فردا نماند ره باز گشت

ردیف: گشت

واژه‌های قافیه: انباز، باز؛ طبق تبصره چهار پیشوند (باز) می‌تواند واژه قافیه قرار گیرد.

حرف یا حروف قافیه: «از» قافیه درست است.

حرف یا حروف اصلی: «از»

حرف یا حروف الحاقی: -

چنان در قید مه‌رت پای بندم که گویی آهویی سر در کمندم

ردیف: -

واژه‌های قافیه: پای بندم، کمندم

حرف یا حروف قافیه: «-ندم»، قافیه درست است.

حرف یا حروف اصلی: «-ند»

حرف یا حروف الحاقی: «-م»

در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر

ردیف: -

واژه‌های قافیه: نیکوتر، مشفق‌تر. به دلیل آن که «تر» علامت صفت تفضیلی، در هر دو واژه شناخته شده و تکراری است، با توجه به تبصره «۴» قافیه نادرست است.

حرف یا حروف قافیه: «-ر»

حرف یا حروف اصلی: «ر»

حرف یا حروف الحاقی: -

دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنه‌ار بد مکن که نکرده‌است عاقلی
گر من سخن درشت نگویم تو نشنوی بی‌جهد از آینه نبرد زنگ، صیقلی

ردیف: -

واژه‌های قافیه: دلی، عاقلی، صیقلی

حرف یا حروف قافیه: «لِ - لَ». در واژه‌های «دلی» و «عاقلی» مصوّت کوتاه «ا» است، اما در واژه «صیقلی» مصوّت کوتاه «ا» است و اختلاف در مصوّت کوتاه جایز نیست، اما چون قافیه حروف الحاقی دارد، قافیه درست است.

حرف یا حروف اصلی: «لِ - لَ»

حرف یا حروف الحاقی: «ی»

د - قافیه را در این شعر نو مشخص کنید:

کج پاسخ:

اشکم دمید

گفتم: «نه پای رفتن نه تاب ماندگاری

درد خزه کف جوی این است.» گفت: «آری

اما دوگانه تا کی؟

یا موج‌وش روان شو یا در کنار من باش»

گفتم: «دل‌م گرفته‌ست

مثل سکون ملولم»

«ماندگاری» با «آری» واژه‌های قافیه هستند.

ه - در شعر زیر واژه‌های قافیه را پیدا کنید و مشخص نمایید که آیا حروف قافیه طبق قاعده «۱» است یا «۲»؟:

(پاسخ:

بخوان ای هم‌سفر با من

ره تاریک با پاهای من پیکار دارد

به هر دم زیر پایم راه را با آب آلوده

به سنگ آکنده و دشوار دارد؛

به چشم پا ولی من راه خود را می‌سپارم

جهان تا جنبشی دارد، رود هر کس به راه خود،

عقاب پیر هم غرق است و مست اندر نگاه خود

نباشد هیچ کار سخت، کان را در نیابد فکر آسان ساز،
شب از نیمه گذشته‌ست، خروس دهکده برداشته‌است آواز؛

چرا دارم ره خود را رها من

بخوان ای هم‌سفر با من!

به رودرروی صبح، این کاروان خسته می‌خواند:

کدامین بار کالا سوی منزلگه رسد آخر

که هشیار است، کی بیدار، کی بیمار؟

کسی در این شب تاریک پیمایان نمی‌داند.

مرا خسته در این ویرانه می‌پسند

قطار کاروان‌ها دیده‌ام من

که صبح از رویشان پیغام می‌برد.

صداهای جرس‌های رهاوردان بسی بشنیده‌ام من

که از نقش امیدی آب می‌خورد

نگارانی چه دلکش را به روی اسب‌ها می‌برد ...

(پاسخ:

«پیکار» با «دشوار» هم‌قافیه است. «ار» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«راه» با «نگاه» هم‌قافیه است. «اه» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«آسان‌ساز» با «آواز» هم‌قافیه است. «از» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«رها» با «با» هم‌قافیه است. «ا» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۱»

«می‌خواند» با «نمی‌داند» هم‌قافیه است. «اند» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«هشیار»، «بیدار» و «بیمار» هم‌قافیه‌اند. «ار» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«دیده‌ام» با «بشنیده‌ام» هم‌قافیه است. «یده‌ام» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

«می‌خورد» با «می‌برد» هم‌قافیه است. «رُد» حروف قافیه طبق قاعدهٔ «۲»

پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۲۴

خودآزمایی‌های درست خواندن و درست نوشتن و تقطیع هجایی:

۱- «ا»، «و» و «ی» باید حرف چندم هجا باشند تا به صورت مصوت بلند تلفظ گردند و دو حرف به حساب

آیند؟

(پاسخ:

باید حرف دوم هجا باشند.

۲- واژه‌های زیر را با خطّ عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه‌ها را که بیش از یک هجا دارد مشخص کنید. هجای کشیده را نیز به دو هجا تقسیم کنید.

(پاسخ:

خیاش | تن ، بآنف | اش ، ملامت ، فای | اد ، خُد ، سافی | ان ، چُ ، چُن ، مُسام | اح ، دِق | اَقت ، پُشاست | وان ، مُاعل | لم ، خاری ، زکالت ، مَج | امواج ، رُو | ازان ، خاس | اتقان ، مُ | اندازن ، شدادت ، ت | اِیس | اِسم ، کاش | ات ، راه | او | ار

۳- واژه‌های زیر را ابتدا درست بخوانید و با خطّ عروضی بنویسید. سپس مرز هر هجا را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید (توجه کنید که به تعداد مصوّت‌ها هجا وجود دارد و هجای کشیده به دو هجا تقسیم می‌شود و هر مصوّت بلند برابر دو حرف است و «ن» ساکن بعد از مصوّت بلند در یک هجا حذف می‌شود).

(پاسخ:

سَر	دل	ره	ما	روز	سَر و	سَر شار	ک و بر
-	-	گ اَ ذَر	-	و	-	-	و - -
گ اِ س تان	ت نا س ا	ت نا س ا	ت نا س ا	ت نا س ا	ت نا س ا	ت نا س ا	ت نا س ا
-	-	-	-	-	-	-	-
هَس اتی	رید گ	شَب	آ ف ریز	سو د	سا خ ت	لَا ز	دَر د
-	-	-	-	-	-	-	-
دوست	چشم	کاش	کاشت	و فا	با م دا	دا د	ف ا ضا
-	-	-	-	-	-	-	-
رَن ج	قا صد	ط را وت	نی رو مند	خا مو اش	ن دا	با غ	-
-	-	-	-	-	-	-	-
آ س ا	رای گان	رای گانی	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-

۴- واژه‌های غیر ساده زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر بدون حذف همزه بخوانید و با خطّ عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

(پاسخ:

بدون حذف همزه	با حذف همزه	دل آزرده:
دل آ زَر د	د لا زَر د	-
-	-	-
عاقبت اندیش:	عاقبت اندیش:	-
عا ق اِ بت آن دیش	عا ق ب اتن دیش	-
-	-	-

خوش آواز:

خُش | آ | وا | ز
- | - | - | -

خُ | شا | وا | ز
- | - | - | -

پلنگ افکن:

پَ | کَ | لَ | گَ | اَ | ف | کَ | ن
- | - | - | - | - | - | - | -

پَ | کَ | ن | گَ | ف | کَ | ن
- | - | - | - | - | - | -

باد آورده:

با | د | آ | و | ر | د
- | - | - | - | - | -

با | دا | و | ر | د
- | - | - | - | -

خوش اندام:

خُش | اَن | دا | م
- | - | - | -

خُ | شَ | ن | دا | م
- | - | - | - | -

دانش آموز:

دا | لَ | ش | آ | مو | ز
- | - | - | - | - | -

دا | ن | شا | مو | ز
- | - | - | - | -

دل افسرده:

دَل | اَ | ف | سُر | د
- | - | - | - | -

د | اَ | لَ | ف | سُر | د
- | - | - | - | - | -

شمع آجین:

شَم | ع | آ | جِ | ن
- | - | - | - | -

شَم | ع | اِ | جِ | ن
- | - | - | - | -

۵- ابیات زیر را درست بخوانید و با خطّ عروضی بنویسید. سپس مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید (دقت کنید اگر اشعار را درست خوانده و نوشته باشید، باید تعداد و نظم هجاهای دو مصراع هر بیت یکسان باشد)
(پاسخ:

هم قصّهای ناموده دانی هم نامهای نانوشته خوانی

هم	قص	ص	ی	نا	ن	مو	د	دا	نی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
هم	نا	م	ی	نا	ن	وش	ت	خا	نی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

اگر کاری کنی مزدی ستانی چوبی کاری یقین بی مزد مانی

ا | گ | ر | ک | ا | ر | ی | ک | ن | ی | م | ز | د | ی | س | ت | ا | ن | ی | ب | ی | م | ز | د | م | ا | ن | ی

ن	ی	ب	ک	ر	ی	ق	ب	م	د	م	ن
ن	ی	ب	ک	ر	ی	ق	ب	م	د	م	ن

آینه ار نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست

آ	ی	ن	ا	ر	نق	ش	ت	ب	م	د	راست
-	ی	ن	-	-	-	ش	ت	ب	م	د	راست
خ	ش	ک	ن	ا	ی	ن	ش	ک	ت	خ	طاست
-	ش	ک	ن	ا	ی	ن	ش	ک	ت	خ	طاست

خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

خ	د	ا	ب	خ	ر	م	ا	ن	د	ر
خ	د	ا	ب	خ	ر	م	ا	ن	د	ر
ک	ص	ر	ن	ب	د	د	ر	د	گ	ر
ک	ص	ر	ن	ب	د	د	ر	د	گ	ر

ای باد بامدادی خوش می روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

ای	ب	د	ب	م	د	خ	م	ر	ب	ش	دی
-	ب	د	ب	م	د	خ	م	ر	ب	ش	دی
پی	و	د	ر	ح	گ	دی	پی	غ	م	د	دی
-	و	د	ر	ح	گ	دی	پی	غ	م	د	دی

نینی که چون با هم آیند مور ز شیران جنگی برآرند شور

ن	ب	ن	ک	چ	ب	ه	م	ی	د	م
ن	ب	ن	ک	چ	ب	ه	م	ی	د	م
ز	ش	ر	ن	ج	گ	ب	ر	ز	د	ش
ز	ش	ر	ن	ج	گ	ب	ر	ز	د	ش

بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله‌ی کار خویش گیرم

ب	ن	ش	ن	م	ص	ر	پ	ش	گ	ر
ب	ن	ش	ن	م	ص	ر	پ	ش	گ	ر

-	-	ش	-	ر	-	ی	ل	-	-
رَم	گی	خیش	خید	رِ	کا	ی	ل	با	دُن
-	-	ش	-	ر	-	ی	ل	-	-

گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسیح خوان و من خاموش

گف	ت	مینه	شَر	ط	آ	د	می	یت	نیست
-	ش	-	-	ش	-	ش	-	-	-
مُر	غ	تَس	بِه	ح	خا	نُ	مَن	خا	موش
-	ش	-	-	ش	-	ش	-	-	-

هر که تأمل نکند در جواب بیش تر آید سخش ناصواب

هَر	ک	ت	اَم	مُل	ن	ک	نَد	دَر	ج	واب
-	ش	ش	-	-	ش	ش	-	-	ش	-
بِد	ش	ت	را	یَد	س	خ	نَش	نا	ص	واب
-	ش	ش	-	-	ش	ش	-	-	ش	-

چند پرسى ز من چيستم من نيستم، نيستم، نيستم من

چند	د	پُر	سى	ز	من	چيد	س	تم	من
-	ش	-	-	ش	ش	-	ش	-	-
چند	س	تم	نيد	س	تم	نيد	س	تم	من
-	ش	-	-	ش	ش	-	ش	-	-



خودآزمایی صفحه ۳۰

۱- ارکان معادل این هجاها را بنویسید.

کج پاسخ:

(- فاعلاتن | - فاعولن | - مستفعلن | - مفعولن | - مفتعلن | - مفاعیلن | - فعلن | -) :
مفاعیلن | - فع | -) : فاعلات | - فعلن | -) : مفاعیلن | -) : مستفعلن.

۲- هجاهای اشعار خودآزمایی صفحات ۱۴ تا ۲۵ را به منظم‌ترین صورت تقسیم کنید و ارکان معادل هر قسمت را زیر آن بنویسید.

(پاسخ:

دل زیر دستان نباید شکست مبادا که روزی شوی زیر دست

د	ل	زی	ر	دَس	تاکر	ن	با	ید	ش	گست
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
م	با	دا	ک	رو	زی	ش	وی	زی	ر	دست
فعلولن			فعلولن		فعلولن			فعل		

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز

م	نم	ک	دی	د	ب	دی	دا	ر	دو	ست	گر	د	م	باز
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
چ	شک	ر	گو	ی	م	تی	کا	ر	سا	ز	بن	د	ن	واز
مفاعیلن			فعلاتن			مفاعیلن			فعلن					

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

ای	ص	با	گر	بگ	ذ	ری	بر	سا	ح	ل	رو	د	ا	رَس
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بو	س	زن	بر	خا	ک	آ	وا	دی	ی	مُش	کین	گن	ن	فَس
فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعیلن					

یار بد مار است هین بگیریز از او تا نریزد بر تو، زهر آن زشت خو

یا	ر	بد	ما	رَس	ت	هی	بگ	ری	ز	زو
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
تا	ن	ری	ز	بر	ت	زه	رائر	ز	ت	خو
فاعلاتن			فاعلاتن			فاعیلن				

هر یکی دیوار اگر باشد جدا سقف چون باشد معلّق بر هوا

هَر	ی	کی	دی	وا	رَ	گر	با	شد	جُ	دا
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
سَق	ف	چُن	با	شد	مُ	عَل	لَق	بَر	هَ	وا
فاعلاتن			فاعلاتن				فاعلن			

ما را همه شب نمی برد خواب ای خفته ی روزگار دریاب

ما	را	هَ	مِ	شَب	نَ	می	بَ	رَد	خَاب	
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	
ای	خُف	تِ	یِ	رو	ز	گا	ر	دَر	یَاب	
مستفعل			فاعلات				فاعلن			

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | مفاعلن | فعولن» می باشد.

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

نَ	بی	گا	نَ	تی	ما	ر	خُر	دَش	نَ	دوست
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
چُ	چَن	گَش	رَ	اَس	اَس	تُ	خَان	مَان	دُ	پوست
فعولن			فعولن				فعولن			

من از ابرینم همی باد و نم ندانم که نرگس چرا شد دژم

مَ	نَز	أَب	ر	بی	نم	هَ	می	با	دُ	نم
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
نَ	دا	نم	کِ	نر	گس	چَ	را	شُد	دُ	ژم
فعولن			فعولن				فعولن			

مکن شهریار دل ما نزنند میاور به جان من و خود گزند

مَ	گَن	شَه	ر	یا	را	دِ	ل	ما	نَ	ژند
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
مَ	یا	وَر	بِ	جا	ن	مَ	ن	خُد	گَ	زند
فعولن			فعولن				فعولن			

دیرِست که دل‌دارِ پیامی نفرستاد												ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد															
دی	رید	ست	ک	دل	دا	ر	پ	یا	می	ن	ف	رس	تاد	دی	رید	ست	ک	دل	دا	ر	پ	یا	می	ن	ف	رس	تاد
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
نن	وِش	ت	س	لا	می	ی	ک	لا	می	ن	ف	رس	تاد	نن	وِش	ت	س	لا	می	ی	ک	لا	می	ن	ف	رس	تاد
		مستفعل				مستفعل				مستفعل		فعلن				مستفعل				مستفعل		فعلن		فعلن			

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | مفاعیل | مفاعیل | فعولن» است

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟												منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟															
ای	ن	سی	م	س	ح	را	م	گ	ه	یا	ر	ک	جاست	ای	ن	سی	م	س	ح	را	م	گ	ه	یا	ر	ک	جاست
-	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-	U	U	-
من	ز	ل	ا	م	ه	عا	ش	ع	ی	یا	ر	ک	جاست	من	ز	ل	ا	م	ه	عا	ش	ع	ی	یا	ر	ک	جاست
		فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن		فعلن				فاعلاتن				فاعلاتن		فعلن		فعلن			

سرشگ هوا بر زمین شد گوا												به نزدیک خورشید فرمان روا														
س	رِش	ک	ه	وا	بر	ز	مینه	شد	گ	وا	س	رِش	ک	ه	وا	بر	ز	مینه	شد	گ	وا					
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-					
ب	نَز	دی	ک	خُر	شی	د	قَر	مانز	ر	وا	ب	نَز	دی	ک	خُر	شی	د	قَر	مانز	ر	وا					
		فَعولن				فَعولن				فَعولن		فَعولن				فَعولن				فَعولن		فَعولن		فَعولن		

کاشکی جز تو کسی داشتمی												یابه تو دسترسی داشتمی														
کا	ش	کی	جُز	ت	ک	سی	دا	ش	ت	می	کا	ش	کی	جُز	ت	ک	سی	دا	ش	ت	می					
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-					
یا	ب	ت	دس	ت	ر	سی	دا	ش	ت	می	یا	ب	ت	دس	ت	ر	سی	دا	ش	ت	می					
		فاعلاتن				فاعلاتن				فعلن		فاعلاتن				فاعلاتن				فعلن		فاعلاتن		فعلن		

مرا پرسی که چونی؟ چونم ای دل												جگر پردرد و دل پر خونم ای دل														
م	را	پُر	سی	ک	چو	نی	چو	ن	می	دل	م	را	پُر	سی	ک	چو	نی	چو	ن	می	دل					
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-					
ج	گر	پُر	دَر	د	دِل	پُر	خو	ن	می	دِل	ج	گر	پُر	دَر	د	دِل	پُر	خو	ن	می	دِل					
		مفاعیلن				مفاعیلن				فَعولن		مفاعیلن				مفاعیلن				فَعولن		مفاعیلن		مفاعیلن		

چندان که گفتم غم با طیبیان درمان نکردند مسکین غریبان

چَن	دَاخِر	كَ	گُف	تَم	غَم	بَا	طَ	بِی	بَان
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
دَر	مَانِد	نَ	گَر	دَنَد	مِس	کَیْنِز	غَ	رِی	بَان
	مستفعلن		مستفعلن	فع			مستفعلن		فع

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «فع لن | فعولن | فع لن | فعولن» است.

خاک دل آن روز که می‌بیختند شبنمی از عشق بر آن ریختند

خَا	كَ	دَ	لَاخِر	رَو	ز	كَ	مِی	بِی	خ	تَنَد
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
شَب	نَ	مِی	یَز	عِش	قِی	بَ	رَاخِر	رِی	خ	تَنَد
	مفتعلن		مفتعلن	مفتعلن			مفتعلن		فاعلن	

ز دو دیده خون فشانم، ز غمت شب جدایی چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی

زِ	دُ	دِی	دِ	خَوَلَه	فِ	شَا	نَم	زِ	غَ	مَت	شَ	بَ	جُ	دَا	یِی
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
چِی	كُ	نَم	كَ	هَس	ت	اِیْنِه	هَا	گُ	لِ	بَا	غَ	آ	شِ	نَا	یِی
	فعلات		فعلات	فعلاتن			فعلاتن		فعلات			فعلاتن		فعلاتن	

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

بِن	مَا	یِی	رُخ	كَ	بَا	عُ	گُ	لِس	تَا	نَ	مَا	رِ	زَوَسْت
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
بُگ	شَا	یِی	لَب	كَ	قَن	دِ	فَ	رَا	وَا	نَ	مَا	رِ	زَوَسْت
	مستفعلن		مستفعلن		مفاعِل		مفاعِل		مستفعلن			فعل	

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن» است

آتش قهر برافروخته‌اند خانم‌ان ضعفا سوخته‌اند

آ	تَ	ش	قَه	ر	بَ	رَف	رَو	خ	ت	أند
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
خَا	نُ	مَا	نَ	فُ	قَ	رَا	سَو	خ	ت	أند

فعلن

فعلاتن

فاعلاتن

گر مستمند و باد دل غمگینم خیره مکین ملامت چندینم

نم	گی	غم	ل	د	با	دُ	مَن	ت	مُسَد	گر
-	-	-	ن	ن	-	ن	-	ن	-	-
نم	دی	چَن	ت	م	لا	م	کُن	م	ر	خی
مفعولن			مفاعل			مستفعلن				

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | فاعلات | مفاعیلن» است.

نشاط جوانی ز پیران مجوی که آب روان باز ناید به جوی

جوی	م	راکَن	پی	ز	نی	وا	ج	ط	شا	ن
-	ن	-	-	ن	-	-	ن	-	-	ن
جوی	ب	ید	نا	ز	با	واظ	ر	ب	آ	ک
فعل		فعلولن			فعلولن			فعلولن		

ما به روی دوستان از بوستان آسوده ایم گر بهار آید و گر باد خزان آسوده ایم

ایم	د	سو	نا	تا	س	بو	نَز	تا	س	دو	ی	رو	ب	ما
-	ن	-	-	-	ن	-	-	-	ن	-	-	-	ن	-
ایم	د	سو	نا	زا	خ	د	با	گر	و	ید	را	ها	ب	گر
فاعلن		فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			

آن دل که به زلف یار بستیمش هر چند گسست باز پیوستیمش

آن	دل	ک	ب	زل	ف	یا	ر	بَس	تی	مَش
-	-	ن	ن	-	ن	-	ن	-	-	-
هر	چند	د	گُ	سَس	ت	با	ز	پی	وَس	تیمش ^۲
مستفعلن			فاعلات			مفعولن				

^۱ - مصراع دوم یک هجای بلند نسبت به مصراع اول بیشتر دارد. مصراع اول بر وزن «هزج مسدس اخرب مقبوض» است، اما وزن مصراع دوم با هیچ یک از اوزان شعر فارسی مطابقت ندارد.

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | مفاعیلن | مفاعیلن» است.

دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم				واندر این کار دل خویش به دریا فکنم			
دی	دِ	دَر	یا	کُ	نَ	مُ	صب
-	U	-	-	U	U	-	-
وَن	دَ	رِیخِر	کا	ر	دِ	لِ	خِی
-	-	-	-	-	-	-	-
	فاعلاتن			فعلاتن			فعلاتن
							فعلن

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم				محصول دعا در ره جانانه نهادیم			
ما	دَر	سِ	سَ	حَر	دَر	رَ	هَ
-	-	U	U	-	-	U	U
مَح	صو	لِ	دُ	عَا	دَر	رَ	هَ
-	-	-	-	-	-	-	-
	مستفعل			مستفعل			مستفعل
							فعلن

تقطیع به ارکان بیت بالا، طبق سنت به شکل «مفعول | مفاعیل | مفاعیل | فعولن» است.

هر آن کس که بر دزد رحمت کند				به بازوی خود کاروان می زند			
هَ	رَاکِز	کَس	کَ	بَر	دُز	د	رَح
U	-	-	U	-	-	U	-
بِ	بَا	زَو	یِ	خُد	کَا	ر	وَالرَّ
-	-	-	-	-	-	-	-
	فعولن			فعولن			فعولن
							فعل

کنون با خرد باید انباز گشت				که فردا نماند ره باز گشت			
کُ	نَوخِر	بَا	خَ	رَد	بَا	یِ	دَن
U	-	-	U	-	-	U	-
کِ	فَر	دَا	نَ	مَا	نَد	رَ	هَ
-	-	-	-	-	-	-	-
	فعولن			فعولن			فعولن
							فعل

چنان در قید مهرت پای بندم				که گویی آهویی سردر کمندم			
چُ	نَلخِر	دَر	قِی	دَ	مِه	رَت	پَا
U	-	-	-	U	-	-	U
							یِ
							بَن
							دَم

ک	گو	یی	آ	هو	یی	سر	در	ک	من	دم
مفاعیلن			مفاعیلن			فعلولن				

در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر

د	ریز	ز	ما	ن	ب	تی	نی	ست	از	ت	نی	ک	و	تر
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
ن	بر	ت	بر	ش	م	نی	از	ر	هی	ت	مش	ف	ق	تر
مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن					فعلن			

دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی

گر من سخن درشت نگویم تو نشنوی بی جهد از آینه نبرد زنگ، صیقلی

دُن	یا	ن	یر	ز	دال	ک	پ	ری	شاک	ک	نی	د	لی
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
زن	ها	ر	بد	م	کن	ک	ن	گر	دس	ت	عا	ق	لی
گر	من	س	خن	د	رشد	ت	ن	گو	یم	ت	نش	ل	وی
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
بی	جه	د	زا	ی	ن	ن	ب	رد	زند	گ	صی	ق	لی
مستفعلن			مفاعیلن			مستفعلن					فعل		

تقطیع به ارکان این دو بیت، طبق سنت به شکل «مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن» است.

پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۳۹

۱- منظور از اختیارات زبانی چیست؟

(پاسخ:

در هر زبانی بعضی از کلمات، به تنهایی یا در جمله، دارای دو یا حیثاً چند تلفظ هستند و گوینده اختیار دارد هر کدام را که می‌خواهد به کار ببرد. به این اختیارات در تلفظ، اختیارات زبانی می‌گویند.

۲- دو نوع اختیار زبانی را تعریف کنید و برای هر یک چند مثال بیاورید.

ک پاسخ:

۱- امکان حذف همزه: در زبان فارسی اگر قبل از همزه آغاز هجا، حرف صامتی بیاید، همزه را اگر ضرورت وزن

ایجاب کند می‌توان حذف کرد؛ مانند:

آتش است این بانگ‌نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

(مولوی)

آ	ت	شَسَد	تَیْز	بَاک	گِ	نا	ی	نید	ست	باد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
هَر	کِ	ای	نا	تَش	نَ	دا	رَد	نید	ست	باد

در مصراع اول، همزه از اول واژه‌های «است» و «این» حذف شده‌است. در مصراع دوم، حذف کردن یا نکردن همزه «آتش» یکسان است.

یا:

بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟ بگفت از دل تو می‌گویی من از جان

(نظامی)

ب	گف	تَز	دل	ش	دی	عا	شق	ب	دیز	ساض
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
ب	گف	تَز	دل	ت	می	گو	یی	م	نَز	جاضر

در هر دو مصراع سه بار واژه «از» آمده‌است که در هر سه مورد همزه آن در تلفظ حذف شده‌است.

مثال دیگر:

ز حرف عیب‌جو مجنون برآشفت در آن آشفته‌گی خندان شد و گفت

(وحشی بافقی)

ز	حَر	ف	عید	ب	جو	مَج	نومز	ب	را	شفت
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
د	راک	آ	شَف	ت	گی	خَن	داک	ش	د	گفت

در مصراع اول، همزه از آغاز «آشفت» و در مصراع دوم از اول «آن» حذف شده‌است.

۲- تغییر کمیّت مصوّت‌ها: شاعر در موارد خاصی مختار است که به ضرورت وزن شعر مصوّت کوتاه را بلند و مصوّت بلند را کوتاه تلفظ کند

(مثال برای بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه:

درون دلت شهر بندست راز نگر تا نیند در شهر باز

(سعدی)

د	رو	ن	د	کت	شه	ر	بن	دَس	ت	راز
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ن	گر	تا	ن	بی	ند	د	ر	شه	ر	باز

در مصراع اول کسره اضافه در هجای سوم و در مصراع دوم در هجای هشتم بلند تلفظ شده‌است.

دل من همی داد گفتمی گویایی که باشد مرا روزی از تو جدایی

(فرخی سیستانی)

د	ل	مَن	هَ	می	دا	د	گُف	تی	گُ	وا	یی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
کِ	با	شد	مَ	را	رو	زِی	یَز	تِ	جُ	دا	یی

کسره اضافه هجای دوم مصراع اول و مصوت کوتاه (ه) پایان واژه در هجای نهم مصراع دوم، بلند تلفظ می شود.

نه دل بر ما، نه دلبر اندر بر ما یا دل بر ما فرست یا دلبر ما

(ابوالسعید ابوالخیر)

ن	دل	بَ	رِ	ما	نَ	دل	بَ	رَن	دَر	بَ	رِ	ما
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-
یا	دل	بَ	رِ	ما	فِ	رِس	تِ	یا	دل	بَ	رِ	ما

مصوت کوتاه (ن) پایان واژه در هجای اول مصراع اول بلند تلفظ شده است.

(مثال برای کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» و «ی»):

دل من همی داد گفتمی گواهی که باشد مرا روزی از تو جدایی

(فرخی سیستانی)

د	ل	مَن	هَ	می	دا	د	گُف	تی	گُ	وا	یی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
کِ	با	شد	مَ	را	رو	زِی	یَز	تِ	جُ	دا	یی

مصوت بلند «ی» در هجای هفتم مصراع دوم کوتاه تلفظ شده است.

همی بر خروشید و فریاد خواند جهان را سراسر سوی داد خواند

(فردوسی)

هَ	می	بَر	خُ	رو	شی	دُ	فَر	یا	د	خاند
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
جَ	هالا	را	سَ	را	سَر	سَو	سَو	دا	د	خاند

مصوت بلند «و» در هجای هفتم مصراع دوم کوتاه تلفظ شده است.

۳- مصوت های کوتاه را در چه صورتی می توان کشیده تلفظ کرد و مصوت های بلند را در چه صورت کوتاه؟

(پاسخ:

هرگاه مصوت های کوتاه در پایان واژه واقع شوند و هجایی که مصوت کوتاه در آن واقع شده است با هجای معادلش در مصراع مقابل یکی نباشد، این مصوت ها را می توان بلند تلفظ کرد؛ و هرگاه دو مصوت بلند «و» و «ی» در پایان واژه واقع شوند و بعد از آن ها مصوت دیگری بیاید که در این صورت بین آن ها «ی» میانجی فاصله می آید، اگر هجای معادلشان در مصراع مقابل کوتاه باشد و نتوان آن را بلند کرد، این مصوت ها کوتاه تلفظ می شوند.

۴- مصوّت بلند «ی» در چه صورت همیشه کوتاه است و مصوّت بلند «و» در چه صورت همیشه بلند؟

(پاسخ:

اگر مصوّت بلند «ی» در میان کلمه‌ای ساده یا کلمه‌ای با پسوند یا پیشوند یا ضمیر متصل باشد، همیشه کوتاه تلفّظ می‌شود. مصوّت بلند «و» در کلمات تک هجایی مانند مو، رو، جو، بو و غیره هیچ‌گاه کوتاه تلفّظ نمی‌شود.

۵- تقطیع مثال‌های زیر، به صورتی که بین دو هلال تقطیع شده‌است، با کدام اختیارات شاعری مطابقت دارد؟

(پاسخ:

- ✓ نوای نی (=) _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه در هجای سوم (ی).
- ✓ تو گفתי (=) _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه (ضمّه‌ی) آخر واژه در هجای اول (تو = ت).
- ✓ بهانه (=) _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه (کسره) آخر واژه در هجای سوم (نه = ن).
- ✓ بازی دهر (=) _ _ _) کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «ی» در پایان واژه (بازی).
- ✓ درخت دوستی (=) _ _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه در هجای سوم (ت).
- ✓ سبوی آب (=) _ _ _ _) ۱- کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «و» در پایان واژه (سبو). ۲- بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه هجای سوم (ی).
- ✓ شب و روز (=) _ _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه ضمّه عطف در هجای دوم (ب).
- ✓ جادویی (=) _ _ _ _) کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «و» در پایان واژه (جادو).
- ✓ دل پاک (=) _ _ _ _) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه در هجای دوم (ل).
- ✓ سوی من (=) _ _ _ _) کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «و» در پایان واژه (سو)
- ✓ سوی من (=) _ _ _ _) اختیاری وجود ندارد.
- ✓ آری آنان (=) _ _ _ _) ۱- کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند «ی» در پایان واژه (آری) ۲- حذف همزه آغاز واژه (آنان)

۶- در مثال‌های زیر هر جا همزه حذف شده‌است، مشخص کنید.

(پاسخ:

مردافکن (=) _ _ _ _) حذف شده‌است.

تیرانداز (=) _ _ _ _) حذف شده‌است.

خوش آواز (=) _ _ _ _) حذف نشده‌است.

خوش آهنگ (=) _ _ _ _) حذف شده‌است.

از ایشان (=) _ _ _ _) حذف شده‌است.

از ایشان (=) _ _ _ _) حذف نشده‌است.

۷- پس از تقطیع هجایی ابیات زیر، هجاهای معادل در دو مصراع یک بیت را مقایسه کنید و اگر اختلافی هست

تعیین کنید از چه اختیارات زبانی استفاده شده‌است.

چو خواهی که نامت بود جاودان مکن نام نیک بزرگان نهان

(سعدی)

چ	خا	هی	ک	نا	مَت	بُ	وَد	جا	و	داند
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
م	گن	نا	م	نی	ک	ب	زُر	گان	ن	هان

۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

باغبان گر چند روزی صحبت گل بایش بر جفای خار هجران صبر بلبل بایش

(حافظ)

با	غ	با	گر	چند	د	رو	زی	صُح	بَ	ت	گل	با	ی	دَش
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
بر	ج	فا	ی	خا	ر	هج	رائ	صَب	ر	بُل	بُل	با	ی	دَش

۱ و ۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

چو تو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختری را

(ناصر خسرو)

چ	ت	خُد	ک	نی	آخ	ت	ر	خی	ش	را	بَد
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
م	دا	رَز	ف	لک	چَش	م	نی	کَخ	ت	ری	را

۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (ـ) آخر واژه

۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

۳ و ۴- حذف همزه

اگر تو ز آموختن سرنتابی بجوید سر تو همی سروری را

(ناصر خسرو)

ا	گر	ت	ز	آ	مو	خ	تن	سر	ن	تا	بی
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ب	جو	ید	س	ر	ت	ه	می	سر	و	ری	را

۱ و ۳- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (ـ) پایان واژه

نَ | دا | دَمَ | بِ | دو | سَر | بِ | یَک | با | رِ | گی

۱- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» در پایان واژه یک هجایی «سو» در حالت اضافه

۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

بباید هوس کردن از سربه در که دور هوس بازی آمد به سر

(سعدی)

بِ	با	یَد	هَ	وَس	کَر	دَ	نَز	سَر	بِ	دَر
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
کِ	دُو	رَ	هَ	وَس	با	زِی	یا	مَد	بِ	سَر

۱ و ۴- حذف همزه

۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

۳- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «ی» در پایان واژه

به سبزه کجا تازه گردد دلم که سبزه بخواهد دمید از گلم

(سعدی)

بِ	سَب	زِ	کُ	جا	تا	زِ	گر	دَد	دِ	کَم
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
کِ	سَب	زِ	بَ	خا	هَد	دَ	می	دَز	گِ	کَم

۱ و ۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (-) پایان واژه

۳- حذف همزه

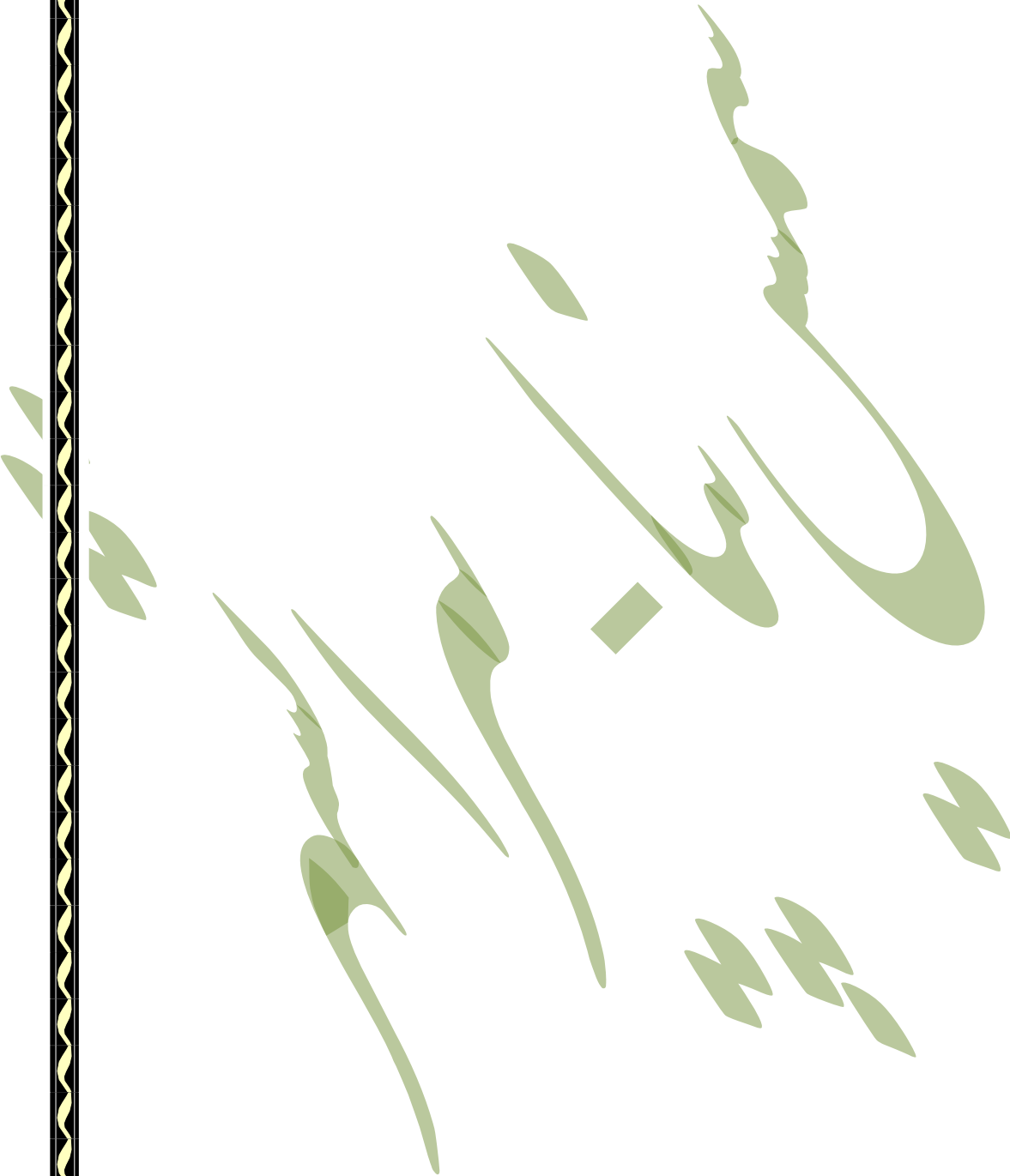
یادآوری: چنان که ملاحظه می شود شاعر در هجای سوم هر دو مصراع از اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه «ل» پایان واژه استفاده کرده است و قبلاً گفته شد که برای تشخیص اختیارات شاعری بهترین راه مقایسه دو مصراع است. در این گونه از موارد باید از راه های دیگری به اختیار شاعری استفاده شده در شعر پی ببریم، یکی از این راه ها استفاده از گوش است که در درس بعد در مورد آن توضیحاتی خواهد آمد و دیگری آشنایی با اوزان شعری است یعنی بیت فوق نمی تواند بر وزن «فعول | فعولن | فعولن | فعل» باشد زیرا چنین وزنی وجود ندارد هم چنین به خاطر سپردن وزن منظومه ها نیز در این زمینه راه گشاست، مثلاً اگر بدانیم که بوستان سعدی بر وزن «فعولن | فعولن | فعولن | فعل» است با علم به این که بیت فوق از بوستان سعدی است می توانیم به وزن آن و نیز اختیارات شاعری استفاده شده در آن پی ببریم.

تفرج کنان در هوا و هوس گذشتیم بر خاک بسیار کس

(سعدی)

تَ	قَر	رُج	كُ	نَافِ	دَر	هَ	وَ	وَ	هَ	وَس
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
گُ	ذَش	تِی	م	بَر	خَا	کِ	بِس	یا	ر	گَس

۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه ضمّه عطف



۲- پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۴۶

۳- ۱- فرق اختیارات زبانی و اختیارات وزنی چیست؟

۴- کج پاسخ:

۵- اختیارات زبانی فقط تسهیلاتی در تلفظ برای شاعر فراهم می‌سازد تا به ضرورت وزن از آن‌ها استفاده کند بی آن‌که موجب تغییراتی در وزن بشود، اما اختیارات وزنی، امکان تغییراتی کوچک در وزن را به شاعر می‌دهد، تغییراتی که گوش فارسی زبانان آن‌ها را عیب نمی‌شمارد.

۶- ۲- سه نوع اختیار وزنی را شرح دهید.

۷- پاسخ:

۸- ۱- بلند بودن هجای پایان مصراع: آخرین هجای هر مصراع بلند است، اما شاعر می‌تواند به جای آن هجای کشیده یا کوتاه بیاورد. هجای پایان مصراع را همیشه با علامت هجای بلند نشان می‌دهیم.

۹- ۲- آوردن (_) _ (فاعلاتن) به جای ((_ _ (فاعلاتن) در رکن اول برخی از مصراع‌ها: شاعر در سرودن شعر گاهی به جای ((_ _ (فاعلاتن) اول مصراع، (_ _ (فاعلاتن) می‌آورد؛ یعنی هجای کوتاه اول را به هجای بلند تبدیل می‌کند، اما عکس این، درست نیست. در این گونه موارد اصل رکن فاعلاتن است نه فاعلاتن.

۱۰- ۳- ابدال: شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه میان مصراع یک هجای بلند بیاورد، یعنی به جای ((_ _ (فاعلاتن) « (فععلن) می‌تواند « _ _ (فع لن) بیاورد.

۱۱- ۳- کلمات «که» (ك) و «کشت» (ك _) در کجای مصراع با کلمه «کش» (_) برابر است؟

۱۲- پاسخ:

۱۳- در پایان مصراع. البته در اوزان دوری در پایان نیم مصراع نیز این حکم را دارد، زیرا در وزن دوری در پایان نیم مصراع نیز فرقی بین هجای کوتاه و بلند و کشیده نیست.

۱۴- ۴- در کجای مصراع به جای ((_ _ (فاعلاتن) می توان (_ _ (فاعلاتن) آورد؟

۱۵- پاسخ:

۱۶- در رکن اول مصراع.

۱۷- ۵- شاعر در کجای مصراع می‌تواند به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند بیاورد؟

۱۸- پاسخ:

۱۹- در میان مصراع (بین هجای اول و آخر مصراع)

۲۰- ۶- در چه صورت شاعر می‌تواند از قلب استفاده کند؟

۲۱- پاسخ:

۲۲- در صورتی که ارکان شعر «مفتعلن» یا «مفاعلن» باشد، شاعر می‌تواند جای دو هجای کوتاه و بلند کنار هم را

عوض کند، یعنی به جای ((_ _ « (_) بیاورد یا برعکس.

۲۳- ۷- از اختیارات وزنی کدام یک کاربرد بیشتری دارند؟

۲۴- پاسخ:

۵۸-۱- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۵۹-۲- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع (وزنی)

۶۰-۳- ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در میان مصراع، یعنی به جای فعلن، فعلن آمده است که

اصل، دو هجای کوتاه است.) (وزنی)

۶۱-

۶۲- بس بگردید و بگرد روزگار دل به دنیا در نبندد هوشیار

(سعدی)

۶۳-

بَس	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دِل	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ
دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن	دُن
یا	دِر	بِن	دِد	هَو	ش	یَار	گَر	ز	گَر	ز
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

۶۴- اختیارات شاعری:

۶۵-۱- بلند تلفظ کردن ضمه عطف (زبانی)

۶۶-۲ و ۳- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۶۷-

۶۸- ای که دستت می رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

(سعدی)

۶۹-

ای	کِ	دَس	تَت	مِ	رَ	سَد	کَا	رِ	بُ	کُن
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
پِ	شَ	زَا	کَز	تِ	نَ	یَا	یَد	هَی	چِ	کَا
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

۷۰- اختیارات شاعری:

۷۱-۱ و ۲- حذف همزه (زبانی)

۷۲-۳- بلند تلفظ کردن ضمه پایان واژه (زبانی)

۷۳-۴- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۷۴-۹- مطلع سی غزل حافظ را تقطیع هجایی کنید و اگر از اختیارات شاعری استفاده شده است، آن را نیز مشخص

نمایید. آن گاه آن ها را تقطیع به ارکان کنید و نام اوزانی را که نظم تکراری دارند، بنویسید.

۷۵- پاسخ:

۹۱- نام وزن: مضارع مَثْمَن اِخْرَب

۹۲-

۹۳- به ملازمان سلطان که رساند این دعا را؟ که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را

ب	م	لا	ز	ما	ن	سَل	طالَم	ک	ر	سا	ن	دینَر	د	عا	را
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ک	ب	شُک	ر	پا	د	شا	هی	ز	ن	ظَر	م	را	گ	دا	را
فعلات				فاعلاتن				فعلات				فاعلاتن			

۹۴- اختیارات شاعری:

۹۵- ۱- حذف همزه (زبانی)

۹۶- نام وزن: رمل مَثْمَن مشکول

۹۷-

۹۸- صوفی بیا که آینه صافست جام را تا بنگری صفای می لعل فام را

صو	فی	ب	یا	ک	آ	ی	ن	صا	فید	ست	جا	م	را		
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ		
تا	بن	گ	ری	ص	فا	ی	م	ی	ل	ل	فا	م	را		
مستفعلن				مفاعیل				مستفعلن				فعل			

۹۹- اختیارات شاعری:

۱۰۰- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۰۱- یادآوری تقطیع به ارکان بیت بالا در اصل به صورت «--|--|--|» یعنی سه/چهار/چهار/سه

است و بر همین اساس نام گذاری می شود.

۱۰۲- نام وزن: مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف

۱۰۳-

۱۰۴- ساقیا بر خیز و در ده جام را خاک بر سر کن غم ایام را

سا	ق	یا	بر	خی	ز	دَر	ده	جا	م	را	
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	
خا	ک	بر	سَر	گن	غ	م	ای	یا	م	را	
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن			

۱۰۵- اختیارات شاعری:

۱۰۶- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۰۷- نام وزن: رمل مسدس محذوف

راه‌های دیگری می‌توان آن را بیان کرد. مثلاً بعد از سه بار فاعلاتن، فعلن نمی‌آید. یا می‌توان مصراع سوم یا دیگر مصراع‌های غزل را تقطیع کرد.

۱۲۴- نام وزن: رمل مَثْمَن محذوف

۱۲۵-

۱۲۶- ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت؟ وی مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت؟

ای	شا	ه	د	قُد	سی	ک	ک	ک	شَد	بِن	د	ن	قا	بَت
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	U	U	-	-
وی	مُر	غ	ب	هش	تی	ک	ک	د	هَد	دا	ن	و	آ	بَت
	مستفعل				مستفعل				مستفعل			فعلن		

۱۲۷- اختیارات شاعری:

۱۲۸- ندارد

۱۲۹- یادآوری: در اصل تقطیع به ارکان بیت بالا به صورت «مفعول | مفاعیل | مفاعیل | فاعولن»، یعنی سه / چهار / چهار / سه است.

۱۳۰- نام وزن: هزج مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف

۱۳۱-

۱۳۲- در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست مست از می و می خواران از نرگس مستش مست

دِر	دِی	ر	م	غَا	نَا	مَد	یا	رَم	قَ	دَ	حِی	دَر	دَسْت
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
مَس	تَر	م	ی	مِی	خَا	رَاکَر	اَز	نَر	گِ	سِ	مَس	تَش	مَسْت
	مستفعل				مفعولن				مستفعل			مفعولن	

۱۳۳- اختیارات شاعری:

۱۳۴- ۱ و ۳- حذف همزه (زبانی)

۱۳۵- ۲ و ۴- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۱۳۶- یادآوری (۱) در مصراع دوم بیت بالا، می‌توان «می خواران از» را با حذف همزه، به صورت «می خوارانز» نیز خواند.

۱۳۷- یادآوری (۲) در اصل تقطیع به ارکان بیت بالا به صورت «مفعول | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن»، یعنی سه تا و چهار تا است.

۱۳۸- نام وزن: هزج مَثْمَن اِخْرَب

۱۳۹-

۱۴۰- دل سرپرده‌ی محبّت اوست دیده آینه‌دار طلعت اوست

دل	سَ	رَا	پَر	دِ	یِ	مَ	حَب	بَ	تِ	اوست ^۲
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
دی	دِ	آ	یِ	نِ	دَا	رِ	طَل	عَ	تِ	اوست ^۳
									فعلن	مفاعلن
										فاعلاتن ^۴

۱۴۱- اختیارات شاعری:

۱۴۲- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۴۳- ۲ و ۳- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۱۴۴- ۴- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول هر دو مصراع (وزنی)

۱۴۵- یادآوری: برای تشخیص اختیار شاعری شماره ۴ باید دانست که در اوزان مشهور قبل از مفاعلن، فعلاتن می آید نه فاعلاتن یا باید مصراع دیگری از شعر را بررسی کرد.

۱۴۶- نام وزن: خفیف مسدس مخبون محذوف

۱۴۷-

۱۴۸- درد ما را نیست در مان الغیث هجر ما را نیست پایان الغیث

دَر	دِ	مَا	رَا	نِیْدِ	سِت	دَر	مَا	نَلْ	غِ	یَاث ^۲
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
هِج	رِ	مَا	رَا	نِیْدِ	سِت	پَا	یَا	نَلْ	غِ	یَاث ^۴
									فاعلن	فاعلاتن

۱۴۹- اختیارات شاعری:

۱۵۰- ۱ و ۳- حذف همزه (زبانی)

۱۵۱- ۲ و ۴- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۱۵۲- نام وزن: رمل مسدس محذوف

۱۵۳-

۱۵۴- دل من در هوای روی فرخ بود آشفته هم چون موی فرخ

دِ	لِ	مَنْ	دَر	هَ	وَ	یِ	رَو	یِ	فَر	رُخ
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
بُ	وَد	آ	شُف	تِ	هَم	چُن	مَو	یِ	فَر	رُخ
									مفاعیلن	مفاعیلن
									فعلولن	

۱۵۵- اختیارات شاعری:

۱۵۶- ۱ و ۲- بلند تلفظ کردن کسره اضافه (زبانی)

۱۵۷- نام وزن: هزج مسدس محذوف

۱۵۹- حسن تو همیشه در فزون باد رویت همه ساله لاله گون باد

حُس	ن	ت	ه	می	ش	دَر	ف	زوخ	باد ^۲
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
رو	یت	ه	م	سا	ل	لا	ل	گون	باد ^۳
	مستفعل				فاعلات				فعلن

۱۶۰- اختیارات شاعری:

۱۶۱- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۶۲- ۲ و ۳- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۱۶۳- یادآوری: در اصل تقطیع به ارکان بیت بالا به صورت «مفعول | مفاعیلن | فعولن»، یعنی سه چهار سه است.

۱۶۴- نام وزن: هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف

۱۶۵-

۱۶۶- زاهد خلوت نشین، دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

زا	ه	د	خَل	وَت	ن	شِین	دو	ش	ب	می	خا	ن	شُد
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
آز	س	ر	پی	مان	ب	رَفْت	با	س	ر	پی	ما	ن	شُد
	مفتعلن				فاعلن				مفتعلن				فاعلن

۱۶۷- اختیارات شاعری:

۱۶۸- ۱- بلند بودن هجای پایان نیم مصراع در اوزان دوری (وزنی)

۱۶۹- نام وزن: منسرح مثنی مطوی مکشوف

۱۷۰-

۱۷۱- آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند بر جای بدکاری چون یک دم نکوکاری کند

آک	کی	ست	کز	رو	ی	ک	رَم	با	ما	و	فا	دا	ری	ک	ند
-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بر	جا	ی	بد	کا	ری	چ	مَن	یک	دَم	ن	کو	کا	ری	ک	ند
		مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن	

۱۷۲- اختیارات شاعری:

۱۷۳- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۷۴- نام وزن: رجز مثنی سالم

۱۷۵-

۱۷۶- سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند هم دم گل نمی شود، یاد سمن نمی کند

سَ	و	چ	ما	ن	مَن	چ	ل	مِ	مِ	ن	مِ	کُ	نَد	
-	U	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	
هَم	د	م	گُل	ن	مِ	ش	وَد	یَا	د	س	مَن	مِ	کُ	نَد
			مفتعلن				مفاعِلن					مفتعلن		مفاعِلن

۱۷۷- اختیارات شاعری:

۱۷۸- ندارد

۱۷۹- نام وزن: رجز مَثَمَّن مطویّ محبون

۱۸۰-

۱۸۱- گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید

گُف	تَم	غ	ت	دَا	رَم	گُف	تَا	غ	مَت	سَ	رَا	یَد
-	-	U	-	U	-	-	-	U	-	U	-	-
گُف	تَم	کِ	مَا	ه	مَن	شُو	گُف	تَا	اَ	بَ	رَا	یَد
			مستفعلن				مفاعِلن					فَعولن

۱۸۲- اختیارات شاعری:

۱۸۳- ۱- بلند تلفظ کردن کسره اضافه (زبانی)

۱۸۴- ۲ و ۳- حذف همزه (زبانی)

۱۸۵- یادآوری: در اصل تقطیع به ارکان بیت بالا به صورت «مفعول | فاعلاتن | مفعول | فاعلاتن»، یعنی سه چهار است.

۱۸۶- نام وزن: مضارع مَثَمَّن اخرب

۱۸۷-

۱۸۸- بر سر آنم که گرز دست بر آید دست به کاری زخم که غصه سر آید

بَر	سَ	رِ	آ	نَم	کِ	گَر	زِ	دَس	ت	بَ	رَا	یَد
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
دَس	ت	بِ	کَا	رِ	زِ	نَم	کِ	عُص	صِ	سَ	رَا	یَد
			مفتعلن				فاعلات					فَع

۱۸۹- اختیارات شاعری:

۱۹۰- ۱ و ۲- حذف همزه (زبانی)

۱۹۱- نام وزن: منسرح مَثَمَّن مطویّ منحور

۱۹۲-

۱۹۳- سلامی چوبوی خوش آشنایی بدان مردم دیده‌ی روشنایی

سَ	لا	می	چُ	بو	یِ	خُ	شِ	آ	شِ	نا	بی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	-
بِ	دانه	مَر	دُ	مِ	دی	دِ	یِ	رُو	شِ	نا	بی
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن

۱۹۴- اختیارات شاعری:

۱۹۵- ۱، ۲، ۳، و ۴- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۱۹۶- نام وزن: مقارب مثنیٰ سالم

۱۹۷- یادآوری: در هجای هشتم هر دو مصراع مصوّت کوتاه بلند تلفظ شده است. برای تشخیص و تبیین اختیارات

شاعری باید از مقایسهٔ ارکان قبل و بعد از رکنی که در آن از اختیارات شاعری استفاده شده است کمک گرفت.

مثلاً می‌توان گفت در بین دو رکن «فعولن»، «فعولن» نمی‌آید یا می‌توان گفت اصلاً وزن «فعولن | فعولن | فعولن | فعولن |

فعولن» در عروض فارسی وجود ندارد

-۱۹۸

۲۲۶- ۱ و ۳- حذف همزه (زبانی)

۲۲۷- ۲- کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند «ی» در پایان واژه (زبانی)

۲۲۸- ۴- آوردن «فاعلاتن» به جای فعلاتن در رکن اول هر دو مصراع (وزنی)

۲۲۹- نام وزن: رمل مثنیٰ مخبون محذوف

۲۳۰-

۲۳۱- عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم

دست شفاعت هر زمان در نیک‌نامی می‌زنم

عُم	رید	ست	تا	مَن	دَر	طَ	لَب	هَر	رَو	ز	گَا	مِی	مِی	زَ	نَم
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دَس	ت	ش	فَا	عَت	هَر	زَ	مَلَفُو	دَر	نِی	کَک	نَا	مِی	مِی	زَ	نَم
	مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن		مستفعلن

۲۳۲- اختیارات شاعری:

۲۳۳- ۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۲۳۴- نام وزن: رجز مثنیٰ سالم

۲۳۵-

۲۳۶- ما درس سحر در ره می‌خانه نهادیم

محصول دعا در ره جانانه نهادیم

ما	دَر	سِ	سَ	حَر	دَر	رَ	هَ	مِی	خَا	نَ	نَ	هَا	دِیْم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مَح	صَو	لِ	دُ	عَا	دَر	رَ	هَ	جَا	نَا	نَ	نَ	هَا	دِیْم
	مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل

۲۳۷- اختیارات شاعری:

۲۳۸- ۱ و ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۲۳۹- یادآوری: در اصل تقطیع به ارکان بیت بالا به صورت «مفعول | مفاعیل | مفاعیل | فاعولن»،

یعنی سه / چهار / چهار / سه است.

۲۴۰- نام وزن: هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف

۲۴۱-

مفاعیلن

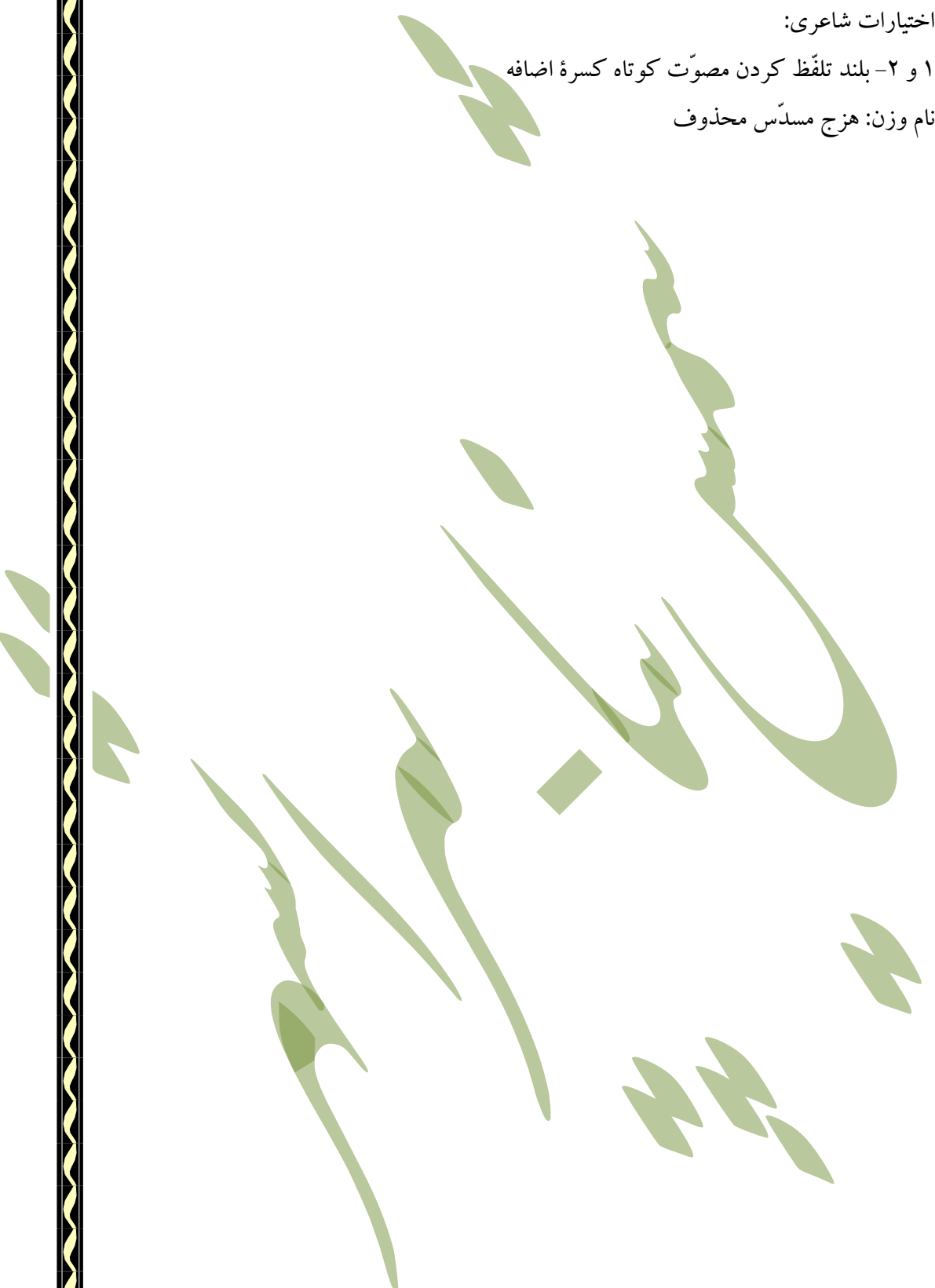
مفاعیلن

فعولن

۲۵۶- اختیارات شاعری:

۲۵۷- ۱ و ۲- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه

۲۵۸- نام وزن: هزج مسدس محذوف



۲۷۴- اختیارات شاعری:

۲۷۵- ۱ و ۲- حذف همزه (زبانی)

۲۷۶- نام وزن: رجز مثنیٰ سالم

۲۷۷-

۲۷۸- نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری

کز آن جانب که او باشد صبا عذیر فشان آید

۲۷۹-

(سعدی)

نَ	سِ	سُ	ح	رَا	گُف	تَم	کَ	بَا	اَو	جَا	نَ	بِی	دَا	رِی
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
کَ	زَانِهْ	جَا	نَب	کَ	اَو	بَا	شَد	صَ	عَن	بَر	فَ	شَا	نَا	یَد
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن		

۲۸۰- اختیارات شاعری:

۲۸۱- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۲۸۲- ۲ و ۳- حذف همزه (زبانی)

۲۸۳-

۲۸۴- ای مسلمانان فغان زان نرگس جادو فریب

کاو به یک ره برداز من صبر و آرام و شکیب

۲۸۵-

(سعدی)

ای	مُ	سَل	مَا	نَانَ	فُ	غَاغَه	زَانِهْ	نَر	گَ	سَ	جَا	دُو	فَ	رِیْب
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
کُو	بِ	یَک	رَه	بُر	دَ	اَز	مَن	صَب	رُ	آ	رَا	مَ	شَ	کِیْب
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلتن		

۲۸۶- اختیارات شاعری:

۲۸۷- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۲۸۸- ۲ و ۵- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۲۸۹- ۳- حذف همزه (زبانی)

۲۹۰- ۴- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه ضمّه عطف (زبانی)

۲۹۱- نام وزن: رمل مثنی محذوف

۲۹۲- ۳- ایات زیر را تقطیع هجایی و تقطیع به ارکان کنید:

۲۹۳- پاسخ:

۲۹۴- اگر مرد عشقی کم خویش گیر

وگر نه ره عافیت پیش گیر

۲۹۵-

(سعدی)

ا	گر	مَر	د	عِش	قی	کَ	خِی	ش	گیر ^۲
و	گر	ن	ر	ه	عا	ف	پِی	ش	گیر ^۵
				فَعولن			فَعولن		فَعَل

۲۹۶- اختیارات شاعری:

۲۹۷- ۱ و ۴- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۲۹۸- ۳- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (ه) در آخر واژه (زبانی)

۲۹۹- ۲ و ۵- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۳۰۰- نام وزن: متقارب مثنی محذوف

۳۰۱-

۳۰۲- به فریادم ز تو هر روز، فریاد

از این فریاد روز افزونم ای دوست

۳۰۳-

(نظامی)

ب	فَر	یا	دَم	ز	ت	هَر	رو	ز	یاد ^۲
ا	زیب ^۳	فَر	یا	د	رو	زَف ^۴	زو	ن	دل ^۵
				مفاعیلن			مفاعیلن		فَعولن

۳۰۴- اختیارات شاعری:

۳۰۵- ۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (ه) پایان واژه (زبانی)

۳۰۶- ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۳۰۷- ۳ و ۴ و ۵- حذف همزه (زبانی)

۳۰۸- نام وزن: هزج مسدّس محذوف

۳۰۹-

۳۱۰- سپردم به تو دل ندانسته بودم

که تویی وفادر جفا تا کجایی

۳۱۱-

(فرخی سیستانی)

دَم	بُو	تِ	نَسِ	دَا	نَ	دِلِ	تِ	بِ	دَمِ	پُرِ	سِ
-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U
یِ	جَا	کُ	تَا	فَا	جَ	دَرِ	فَا	وَ	بِی	تِ	کِ
فَعولن			فَعولن			فَعولن			فَعولن		

۳۱۲- اختیارات شاعری:

۳۱۳- ۱ و ۲- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه (م) پایان واژه (زبانی)

۳۱۴- نام وزن: مقارب مثنیٰ سالم

۳۱۵-

۳۱۶- ز فراق چو ننالَم من دل شکسته چو ننی

که بسوخت بند بندم ز حرارت جدایی

۳۱۷-

(عراقی)

نِی	چُنِ	تِ	کَسِ	شِ	دِلِ	نِ	مَ	لَمِ	نَا	نَ	چُنِ	قِ	رَا	فِ	زِ
-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	U	U
یِ	دَا	جُ	تِ	رَ	رَا	حَ	زِ	دَمِ	بِنِ	بِنِ	بِنِ	خَتِ	سُو	بِ	کِ
فَاعلاتن			فَاعلاتن		فَعلات			فَاعلاتن				فَعلات			

۳۱۸- اختیارات شاعری:

۳۱۹- ۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۳۲۰- نام وزن: رمل مثنیٰ مشکول

۳۲۱-

۳۲۲- دیشب گله‌ی زلفش با باد همی کردم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

۳۲۳-

(حافظ)

دی	شَب	گَک	ل	ی	زُل	فَش	با	با	د	ه	می	کَر	دَم
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
گُف	تا	غ	ل	طی	بُگ	ذَر	زین	فک	ر	ت	سُو	دا	بی
	مستفعل			مفعولن			مستفعل				مفعولن		

۳۲۴- اختیارات شاعری:

۳۲۵- ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۳۲۶- نام وزن: هزج مثنیٰ اخرب (این وزن طبق سنت به صورت «مفعول مفاعیلن مفعول

مفاعیلن» تقطیع می‌شود و نام گذاری آن طبق تقطیع اخیر است.)

۳۲۷-

۳۲۸- بسی بگفت خداوند عقل و نشنیدم

که دل به غمزه‌ی خوبان مده که سنگ و سبوست

۳۲۹-

(سعدی)

بَ	سی	ب	گف	ت	خ	دا	وَن	د	عَق	لُ	نَش	نی	دَم	
U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	
ک	دَل	ب	غَم	ز	ی	خو	باض	م	ده	ک	سَن	گ	س	بوست ^۲
	مفاعیلن			فعلاتن				مفاعیلن				فعلن		

۳۳۰- اختیارات شاعری:

۳۳۱- ۱- ابدال: آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه (اصل دو هجای کوتاه است)

(وزنی)

۳۳۲- ۲- بلند بود هجای پایان مصراع (وزنی)

۳۳۳- نام وزن: مجتث مثنیٰ مخبون محذوف

۳۳۴-

۳۳۵- ای خوب تر از لیلی بیم است که چون مجنون

عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم

۳۳۶-

(سعدی)

ای	خو	ب	ت	رز ^۱	لی	لی	بی	مس ^۲	ت	ک	چن	مج	نولن
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
عش	ق	ت	ب	گر	دا	ند	در	کو	ه	ب	یا	با	نم
	مستفعل			مفعولن				مستفعل					مفعولن

۳۳۷- اختیارات شاعری:

۳۳۸- ۱ و ۲- حذف همزه (زبانی)

۳۳۹- ۳- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره اضافه (زبانی)

۳۴۰- نام وزن: هزج مثنیٰ اخرب (این وزن طبق سنت به صورت «مفعول مفاعیلن مفعول

مفاعیلن» تقطیع می شود و نام گذاری آن طبق تقطیع اخیر است.)

۳۴۱-

۳۴۲- آه سعدی اثر کند در کوه

نکند در تو سنگ دل اثری

۳۴۳-

(سعدی)

آ	ه	سع	دی	آ	ثر	ک	ند	د ^۱	ر ^۲	کوه
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
ن	ک	ند	در	ت	سند	گ	دل	آ	ث	ری
	فاعلاتن ^۳									فعلن

۳۴۴- اختیارات شاعری:

۳۴۵- ۱- ابدال: آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه (اصل دو هجای کوتاه است)

(وزنی)

۳۴۶- ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع (وزنی)

۳۴۷- ۳- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول هر دو مصراع (وزنی)

۳۴۸- نام وزن: خفیف مسدس مخبون محذوف

📖 پاسخ خودآزمایی‌های صفحه ۶۱

۱- وزن ابیات زیر را پیدا کنید و هر کدام از آن‌ها را که دوری است مشخص کنید و دلیل

دوری بودن آن را بیان نمایید:

کج پاسخ:

روی تو چون نوبهار جلوه‌گری می‌کند زلف تو چون روزگار پرده‌داری می‌کند

(خاقانی)

ر	و	ب	ن	چ	ت	ی	ر	و	ب	ن	چ	ت	ی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ز	د	ز	ر	چ	ت	ف	ز	د	ز	ر	چ	ت	ف
مفتعلن	مفتعلن	فاعِلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	فاعِلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

منسرح مَثْمَن مطویّ مکشوف

وزن شعر دوری است، زیرا:

- ۱- در پایان هر نیم‌مصراع، مکئی بالقوه یا بالفعل وجود دارد.
- ۲- از ارکان متناوب درست شده‌است.
- ۳- هجای پایان نیم مصراع در اوزان دوری مانند پایان مصراع همیشه بلند است اما شاعر به جای آن هجای کشیده آورده‌است.
- ۴- هجاهای هر مصراع زوج است و هر نیم مصراع آن هفت هجا دارد.

شعر من زان سوزناک آمد که غم خاطر گوه‌ر فشانم سوخته‌است

(خاقانی)

ش	ز	س	ز	ن	ک	م	ک	ع	ش	ز	س	ز	ن	ک	م	ک	ع
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
خ	ف	ه	ر	ش	ن	س	خ	ت	خ	ف	ه	ر	ش	ن	س	خ	ت
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن	فاعِلن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن	فاعِلن

رمل مسدّس محذوف

وزن شعر دوری نیست.

از تو وفا نخیزد دانی که نیک دانم وز من جفا نیاید دانم که نیک دانی

(خاقانی)

آز	تُ	وَ	فَا	نَ	خِی	زَدَ	دَا	نِی	کِ	نِی	کِ	دَا	نَم
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
وَزْ	مَنْ	جَ	فَا	نَ	یَا	یَدَ	دَا	نَم	کِ	نِی	کِ	دَا	نِی
			مستفعلن		فَعولن				مستفعلن			فَعولن	

مضارع مثنیٰ اِخْرَبْ

یادآوری: تقطیع این وزن طبق سنّت به صورت «مفعول/ فاعلاتن/ مفعول/ فاعلاتن» است و بر همین اساس هم نام گذاری می شود
وزن شعر دوری است، زیرا:

- ۱- در پایان هر نیم مصراع، مکثی بالقوه یا بالفعل وجود دارد
- ۲- از ارکان متناوب درست شده است.
- ۳- هجاهای هر مصراع زوج است و هر نیم مصراع آن هفت هجا دارد

هر چند نمی سوزد بر من دل سنگینت گویی دل من سنگی ست در چاه زنخدانت

(سعدی)

هَر	چَ	دِ	نَ	مِی	سُو	زَدَ	بَر	مَنْ	دِ	لِ	سَنْ	گِی	نَت
-	-	U	-	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
گُو	یِی	دِ	لِ	مَنْ	سَنْ	گِیست	دَر	چَا	هِ	زِ	نَخ	دَا	نَت
			مستفعلن		مفعولن				مستفعلن			مفعولن	

هزج مثنیٰ اِخْرَبْ

یادآوری: تقطیع این وزن طبق سنّت به صورت «مفعول/ مفاعیلن/ مفعول/ مفاعیلن» است و بر همین اساس هم نام گذاری می شود.
وزن شعر دوری است، زیرا:

- ۱- در پایان هر نیم مصراع، مکثی بالقوه یا بالفعل وجود دارد
- ۲- از ارکان متناوب درست شده است.
- ۳- هجای پایان نیم مصراع در اوزان دوری مانند پایان مصراع همیشه بلند است اما شاعر به جای آن، در مصراع دوم هجای کشیده آورده است.
- ۴- هجاهای هر مصراع زوج است و هر نیم مصراع آن هفت هجا دارد.

چون است حال بستان ای باغ نوبهاری کز بلبلان برآمد فریاد بی‌قراری

(سعدی)

ری	ها	بَ	نُو	غِ	با	ای	تلذ	بُس	ل	حا	ت	نَ	چو
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
ری	را	قَ	بی	دِ	یا	فَر	مَد	را	بَ	لاذ	بُ	بُل	کَز
فعولن			مستفعلن			فعولن			مستفعلن				

مضارع مثنیٰ اخرب

یادآوری: تقطیع این وزن طبق سنت به صورت «مفعول / فاعلاتن / مفعول / فاعلاتن» است و بر همین اساس هم نام گذاری می شود
وزن شعر دوری است، زیرا:

- ۱- در پایان هر نیم مصراع، مکثی بالقوه یا بالفعل وجود دارد
- ۲- از ارکان متناوب درست شده است.
- ۳- هجاهای هر مصراع زوج است و هر نیم مصراع آن هفت هجا دارد

۲- شعرهای صفحه بعد را که در وزن نیمایی سروده شده تقطیع کنید:

کج پاسخ:

الف:

«می تراود مهتاب»

می	تَ	را	وَد	مَ	ه	تَاب
-	U	-	-	U	U	-

فاعلاتن^۳ | فعلن

اختیارات شاعری:

۱- ابدال: آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه که اصل دو هجای کوتاه است (فعلن به جای فعلن)

۲- بلند بودن هجای پایان مصراع

۳- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع

«می درخشد شب تاب»

می	ف	رَخ	شَد	شَب	تاب
-	U	-	-	U U	-

«بر دم دهکده مردی تنها»

هـ	تَـنْ	دِی	مَر	دَـ	کَـ	دِه	دَـ	بَر	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	فعلن		فعلاتن			فاعلاتن ^۳			

اختیارات شاعری:

- ۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه
- ۲- ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه)
- ۳- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اوّل مصراع

«کوله بارش بر دوش»

دوش ^۲	بَر	رَش	بَا	لَـ	کُو	
-	-	-	-	-	-	
	فعلن				فاعلاتن ^۳	

اختیارات شاعری

- ۱- ابدال: آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه که اصل دو هجای کوتاه است (فعلن به جای فعلن)
- ۲- بلند بودن هجای پایان مصراع
- ۳- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اوّل مصراع

«دست او بر در، می گوید با خود»

خُد	بَا	یَد	مِی	رَـ	دَـ	بَر	اَو	تَـ	دَس
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	فاعلاتن		فاعلاتن						فاعلاتن ^۳

اختیارات شاعری:

- ۱ و ۲- ابدال: آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه که اصل دو هجای کوتاه است (فعلن به جای فعلن)
- ۳- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اوّل مصراع

«غم این خفته چند»

عَ	م	اِيضَرُ	خُفْ	ت	ي	چَند ^۱
-	U	-	-	U	U	-
فاعلاتن			فعلن			

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«خواب در چشم ترم می شکند»

خا	ب	دَر	چَش	م	ت	رَم	می	ش	ک	نَد
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
فاعلاتن ^۱			فاعلاتن				فاعلاتن			

اختیارات شاعری:

۱- آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن در رکن اول مصراع

(نیما یوشیج)

ب:

«با تمام زودها و دیرها ملول و قهر بود»

با	ت	ما	م	زو	د	ها	و	دی	ر	ها	م	لو	ل	قَه	ر	بود ^۱
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلات				فاعلات				فاعلات				فع	

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«ساعت بزرگ»

سا	ع	ت	ب	زُرگ ^۲
-	U	-	U	-
فاعلات				فع

اختیارات شاعری:

۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه

۲- بلند بودن هجای پایان مصراع

«ساعت یگانه‌ای که راست گوی دهر بود»

سا	ع	ت	ی	گا	ن	بی	ک	را	ست	گو	ی	دَه	ر	بود ^۲
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
فاعلات				فاعلات				فاعلات				فاعلن		

اختیارات شاعری:

۱- بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه کسره اضافه

۲- بلند بودن هجای پایان مصراع

«ساعتی که طرفه تیک و تاک او»

سا	ع	ت	ک	طُر	ف	ت	ک	تا	ک	او
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلات				فاعلن			

«ضرب نبض شهر بود»

ضَر	ب	نَب	ض	شَه	ر	بود ^۱
-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلن			

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«دنگ دنگ زنگ او بلند»

دَن	گ	دَن	گ	زَن	گ	او	ب	کُنْد ^۱
-	U	-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلات				فع	

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«بازویش دراز»

با	زو ^۱	یش	د	راز ^۲
-	U	-	U	-
فاعلات			فع	

اختیارات شاعری:

۱- کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند «و» در پایان واژه

۲- بلند بودن هجای پایان مصراع

«تا فرودتر فرود»

تا	ف ^۱	رو	د	تر	ف ^۲	رود ^۱
-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلن			

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«تا فرازتر فراز»

تا	ف ^۱	را	ز	تر	ف ^۲	راز ^۱
-	U	-	U	-	U	-
فاعلات			فاعلن			

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

پ:

«در آستان غروب»

د	را	س	تا	ن	ع	روب ^۱
---	----	---	----	---	---	------------------

- ۰ ۰ فعلن	- ۰ - ۰ مفاعلن
---------------------	---------------------------

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«بر آبگون به خاکستری گرانیده»

د ن ی - ۰ ۰ فعلن	را گ گ - ۰ - ۰ مفاعلن	ری ت - ۰ - ۰ فعلاتن	کس خا ب ن گو ب را - - ۰ ۰ - ۰ - ۰ مفاعلن
------------------------------------	---	---------------------------------------	--

اختیارات شاعری:

۱- ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه که اصل دو هجای کوتاه است)

«هزار زورق شوم و سیاه می گذرد»

د ز - ۰ ۰ فعلن	می ه یا س - ۰ - ۰ - ۰ مفاعلن	شو ق ر ز - ۰ ۰ - ۰ - ۰ فعلاتن	ه زا ر - ۰ - ۰ - ۰ مفاعلن
--------------------------------	--	---	---

اختیارات شاعری:

۱- بلند تلفظ کردن ضمه عطف

«نه آفتاب، نه ماه»

ن آ ف تا ب ن ماه - ۰ - ۰ ۰ - ۰ فعلن	مفاعلن
---	--------

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«بر آبدان سپید»

ب را ب دا ن س فید - ۰ - ۰ - ۰ - ۰ فعلن	مفاعلن
--	--------

$\begin{array}{|c|c|c|} \hline - & \cup & \cup \\ \hline \end{array}$
 $\begin{array}{|c|c|c|} \hline - & \cup & - \\ \hline \end{array}$
 $\begin{array}{|c|} \hline \cup \\ \hline \end{array}$

مفاعلن فعلن

اختیارات شاعری

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

«هزار زورق آوازه خوان شوم و سیاه»

$\begin{array}{|c|c|c|c|c|c|c|c|c|c|} \hline ه & ز & ا & ر & ز & ر & ق & آ & و & ز & خ & ن & ش & م & س & ی & ا \\ \hline \cup & \cup & - & \cup & \cup & - & \cup & - & - & \cup & - & \cup & - & \cup & \cup & - & \cup \\ \hline \end{array}$

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

اختیارات شاعری:

۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

(م. امید)